

## سیاست گذاری آموزشی در نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی

آزینا سلاجقه<sup>۱</sup>، مریم اسدالهی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار گروه روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران [salajegheh@pnu.ac.ir](mailto:salajegheh@pnu.ac.ir)

<sup>۲</sup> دانشجوی ارشد گروه علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه پیام نور، ص.پ.۱۹۳۹۵-۴۶۹۷، تهران، ایران

[Maryam.Asadollahi1402@gmail.com](mailto:Maryam.Asadollahi1402@gmail.com)

### چکیده

سیاست گذاری آموزشی به مفهوم عام و کلی آن پیشینه ای دیرینه دارد و تاریخ آن با تاریخ تعلیم و تربیت آغاز شده است. امروزه دیگر هویت انسانها تحت تاثیر یک جامعه و یا یک ساختار اجتماعی ثابت قرار ندارد، بلکه از یک هویت اجتماعی در عرصه بین المللی نیز متاثر می شود، بهره گیری درست و به دور از هر گونه افراط و تفریط و یا تعصب کورکورانه از سیاستگذاری آموزشی می تواند موجب تحقق رسالت اصلی آموزش و پرورش گردد، چرا که فرایند سیاستگذاری از حیاتی ترین عناصر و مولفه های کلیدی در نیل به اهداف آموزشی و جهت دهی به آن است. در این پژوهش به بررسی سیاستگذاری آموزشی، در نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی، با روش کتابخانه ای پرداخته شده، و همچنین سعی شده است، تا به تشریح ضرورت سیاستگذاری آموزشی با توجه به تعاریف آن و اهمیت جهانی شدن و به روز شدن نظام آموزشی پرداخته شود

### واژه های کلیدی

سیاست گذاری، آموزش و پرورش، سیاست گذاری آموزشی.

### مقدمه

برنامه ریزی آموزشی و سیاست گذاری آموزشی اموری کاملاً مرتبط به یکدیگرند. برنامه ریزانی که به چگونگی تهیه و تنظیم سیاست ها آگاه نیستند، قرین موفقیت نخواهند شد و کمک چندانی نیز به سیاست گذاری نمی نمایند.

واقع فرایند برنامه ریزی فرآیندی گوناگون از تحلیل وضع موجود، ایجاد و ارزیابی گزینه های سیاستی، تا تنظیم و نظارت بر اجرای سیاست را که همگی به تعریف مجدد از یک سیاست جدید می انجامند، در بر می گیرد. در این فرایند ها افراد مختلفی دخالت دارند و اگر منافع آنها به درستی ارزیابی و مورد توجه قرار نگیرند، احتمال هر نوع شکستی برای برنامه یا سیاست وجود دارد.

تاریخ آموزش پرورش مملو از اصلاحات و برنامه های است که هیچ گاه به دقت پیاده نشدند، زیرا منافع و علایق عوامل اصلی (معلمان و والدین) در آنها لحاظ نشده بود، اثرات و نیاز های مالی و انسانی آنها به تفصیل ارزیابی نگردیده، و یا ظرفیت مدیریتی نظام آموزش و پرورش به طور منظم و علمی محاسبه نشده بود (دانای طوسی و دیگران، ۱۳۸۸).

در ایران با گذر زمان و با گسترش بی رویه نهادهای آموزش عالی، چنین به نظر میرسد که برای حل مسائل فزاینده نظام آموزشی به جای انجام مطالعات ژرف و پیوسته و مشارکت نقش آفرینان دانشگاهی در تصمیم گیری ها، چرخش امور این نظام همچنان با افزایش لایه های دیوان سالاری اداری نه چندان کارآمد، هدایت می شود. چنین رویکردی میتواند کیفیت خدمات ارائه شده دولت ها و عملکرد نهادهای آموزشی و آموزش عالی را با کاستی های پیچیده و فزاینده ای روبرو سازد. از این رو، در بازه کنونی که به نظر میرسد آزمون های ناکام در قلمرو سیاست گذاری های آموزش عالی همچنان باز آزموده می شوند باز مفهوم سازی های نقادانه از سیاست گذاری های عمومی و آموزش عالی به ویژه در مطالعات کیفی لازم به نظر می رسد و می تواند پایه ای نظری و استوار را، برای بازکوی، ساختارها، فرایندها و عملکردهای سامانه سیاستگذاری آموزشی در بخش آموزش و پرورش و آموزش عالی که یکی از بنیادی ترین خدمات اجتماعی است، پدید آورد.

### ۱. عوامل موثر بر سیاستگذاری آموزشی

در عصر فرا پیچیده همگام با افزایش رقابت، پیچیدگی و جهانی شدن پویایی، ظهور سیاستگذاری های جدید نظام آموزشی پاسخی است به طیف وسیعی از نیازهای متنوع آموزشی و پژوهشی جوامع بشری. بی شک یک نظام آموزشی مبتنی بر ساختار، جهت توسعه و دستیابی به رسالت های تعیین شده مسیر مشخصی را مطابق راهبردها و برنامه هایش که ریشه در سیاستگذاری های آن دارد ترسیم نموده است. لذا چگونگی طی این مسیر های مشخص می تواند نقشه راهی برای نهادهای علمی و پژوهش کشور باشد.

امروزه کشورهای مختلف جهان از ساختارها و سیستم های آموزشی متفاوتی برخوردار می باشند که طبیعتاً ساختارهای فوق در هر کشوری بنا بر سیاست ها، برنامه ها و اهداف مورد نظر آن کشور متفاوت می باشد. از طرفی نیز سیاست مداران آموزش و پرورش را

بهترین محل برای تبلیغ و ارائه اندیشه‌های سیاسی خود می‌دانند و از این رو در سیاست‌های آموزشی دخالت بیشتری می‌کنند. چون ثبات جامعه و دوام آن اهمیت و اولویت زیادی دارد و آموزش و پرورش بهترین محل برای ایجاد ثبات و یکپارچگی سیاسی در جامعه محسوب می‌شود.

ویژگی‌های کلی یک کشور مانند: موقعیت، جمعیت، چندزبانگی، فرهنگ و الگوی قشریندی اجتماعی در آن، در تحلیل سیاستگذاری آموزشی تاثیر داشته و فرآیند سیاستگذاری آموزشی را سخت تر و پیچیده تر می‌سازند. رشد و توسعه هر جامعه مستلزم پویایی نظام آموزشی آن جامعه است؛ و تحول در نظام آموزشی در گرو بهبود عملکرد معلمان می‌باشد. معلم به عنوان یکی از ارکان مهم تعلیم و تربیت در همه جوامع شناخته می‌شود (احمدی، ۱۳۸۲).

در تعریف سیاستگذاری آموزشی می‌توان گفت: سازکارها و راهبرهایی هستند که اصول و کنش‌های مربوط به امور آموزشی، را برای رسیدن اهداف مطلوب را مشخص می‌کنند.

سیاست گذاری و برنامه ریزی در مسائل آموزشی و پرورشی در سطوح و حوزه های مختلف اعم از ابتدایی، متوسطه و آموزش عالی فرایندی است که طی آن مسائل نظام آموزشی تحلیل می‌شوند، سیاست‌های مربوط به آن شکل می‌گیرند، اجرا و ارزیابی می‌شوند و در نهایت تعدیل شده یا مجدداً طراحی می‌شوند. یکی از مسایل اساسی آموزش و پرورش کشورهای مختلف جهان و به ویژه کشور ما پدیده دوزبانگی است که هر چه دانش و آگاهی سیاستگذاران نظام آموزشی از چالش‌های مربوط به آن و پیامدهای مثبت و منفی شناختی، عاطفی، اجتماعی و آموزشی آن افزایش یابد. سیاست‌های اتخاذ شده در نظام آموزشی نیز در راستای رفع چالش‌های مربوط، تقویت پیامدهای مثبت و حذف یا کاهش پیامدهای منفی دوزبانگی خواهد بود، چرا که اتخاذ یک تصمیم سیاستی اگر برپایه اطلاعات کامل و شناخت جامع تمامی ابعاد و جنبه‌های یک موضوع و محصول و ارزیابی‌های دقیق و طی نمودن تمام مراحل فرآیند سیاستگذاری آموزشی باشد در مجموع یک سیاست آموزشی مطلوب و بهینه در آن موضوع طراحی و انتخاب خواهد شد. همگام با تغییرات سریع علمی، آموزش و پرورش وظیفه خود میداند که سطح دانش موجود را به سطحی بهینه و همساز با دگرگونی‌های دیروز، همراه و همنا نماید (سیاست گذاری در آموزش و پرورش، ۱۳۹۳، برگرفته از <https://magirans.com/id/44528>).

## ۱.۲.۱. اهمیت سیاستگذاری:

بیانیه جان دیوی در سال ۱۹۵۸ به یادمان می‌اندازد که آموزش ضرورتاً در مورد توسعه جوامع دموکراتی است که در آنها همه احساس آزادی کرد. و قادر به مشارکت هستند. آموزش یک نقش فردی دارد که سطوح آگاهی را افزایش می‌دهد اما به نقش‌های اجتماعی نیز نیاز دارد، که به عملکرد مدارس که همچون مکانیسمی است برای انتقال ارزش‌ها به شهروندان جدید، جهت دهد. ماهیت نقش اجتماعی به گونه‌ای است که اغلب در سیاست، آموزش به درستی درک نمی‌شود اما امروزه آموزش و پرورش بنا به ضرورت و همگام با تغییرات اجتماعی یکی از سازمانهای پیچیده و بزرگ اجتماعی در هر کشوری محسوب میشود و با رشد و توسعه اجتماع، فرهنگ و اقتصاد پیوندی ناگسستنی دارد و بتدریج از یک حالت ساده ابتدایی به یک حالت پیچیده درآمده است.

ثمربخشی آموزش و پرورش از یکسو و تبدیل کردن انسان‌ها به مستعد به انسان‌های سالم، بالنده، متعادل و رشد یافته و از سوی دیگر تأمین کننده نیازهای نیروی انسانی جامعه در بخشهای متفاوت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی باعث شده است تا ضرورت سیاستگذاری آموزشی بیش از پیش به چشم آید و نظریه‌های مهمی است که در عصر کنونی، همه دولت‌های جهانی از کوچک و بزرگ، قدرتمند و ناتوان و صنعتی تا در حال توسعه، پرداختن به آموزش و پرورش مردم خود را در شمار وظایف اساسی میدانند و برای همگانی، سراسری و

حتی اجباری کردن آن، تعهدات سنگینی در قانونهای اساسی و بنیادی خود می گنجانند و درصد زیادی از تولید ناخالص ملی و بودجه جاری و عمرانی کشور را به این امر مهم اختصاص میدهند.

امروزه به دلیل گسترش علوم و تجارب بشری و توسعه فنآوری و پیشرفت های صنعتی، گرایش به سازمانهای آموزش و پرورش امری فراگیر و جهانی شده است. به حدی که یکی از شاخصهای مهم رشد هر جامعه را وسعت دامنه وظایفی میدانند که آموزش و پرورش آن به عهده گرفته است (علاقه بند، ۱۳۸۱).

خواجه نصرالدین طوسی، اهمیت آموزش و پرورش را چنین بیان کرده است: «شرف هر صنعتی که مقصود بود بر اصلاح جوهر موجودی از موجودات به حسب شرف آن موجود تواند بود در ذات خویش، و این قضیه ای است در عقل عقلا ظاهر و مکشوف، و چون شریفترین موجودات این عالم نوع انسان است پس صنعتی که ثمره او اکمال اشرف موجودات این عالم بود اشرف صناعات اهل عالم تواند بود. چه در نوع انسان شخصی یافته شود که اخس موجودات باشد و شخصی یافته شود که اشرف و افضل کائنات بود، و به توسط این صنعت میسر میشود که ادنی مراتب انسانی را به اعلی مدارج رسانند به حسب استعداد و قدرت صلاحیت او، پس صنعتی که بدو اخس موجودات را اشرف کائنات توان کرد، چه شریف صنعتی تواند بود.» و بدین جهت است که، افلاطون نیز عقیده دارد: «عالی تر و مقدس تر از آموزش و پرورش، فنی نیست.» و در اثر آموزش و پرورش، جسم و روح انسان، به بلندترین پایه جمال و کمال میرسد.

### ۳.۱. تعریف سیاست و دامنه ی آن

واژه Policy که در زبان فارسی به معنای سیاست یا خط مشی معنا شده است، وقتی در کنار واژهی Public به معنای عمومی قرار گیرد، شاخه ای از دانش را با عنوان علم دولت در عمل تشکیل میدهد؛ که برخی آن را زیرمجموعه علم سیاست و برخی نیز علمی مستقل قلمداد میکنند (ماهر و دیگران، ۱۳۸۶).

این دانش، به مطالعه و تحلیل عمل دولت ها می پردازد. سیاستگذاری های عمومی در واقع، تجلی اداره حکومت در عمل، است؛ که آنها را میتوان به عنوان مجموعه هایی ساختاری و مرتبط متشکل از مقاصد، تصمیمات و اعمالی که قابل نسبت به اقتدار عمومی در سطوح محلی، ملی و بین المللی هستند، در نظر گرفت.

وجود یک فرایند یا مجموعه ای از فعالیت ها و تصمیمهای دولتی که با هدف حل یک مسأله عمومی طراحی شده اند، سیاستگذاری عمومی نامیده می شود (منبع قبلی). سیاستگذاری، ریشه در آثار "لاسول" و "لرنر" داشته؛ اما گسترش و نهادینه شدن آن در دانشگاه های غربی، پانزده تا بیست سال بعد؛ یعنی در اواسط دهه شصت، به ویژه در اواخر این دهه، آغاز شد. در دهه هفتاد، دولتهای غربی که در جستجوی نوعی مشروعیت علمی، برای دخالت روزافزونشان در اداره امور جامعه بودند، گرایش قابل توجهی در به کارگیری فارغ التحصیلان دانشگاهی در این رشته از خود نشان دادند؛ تا آنها را در سیاستگذاری ها، مورد استفاده قرار دهند. سیاست گذاری عمومی که توسط "ماکس وبر"، زمینه ی ایجاد تحلیل آن فراهم و به عنوان شاخص اساسی دنیای مدرن در نظر گرفته شد، زمینه را برای ارتباط میان علوم سیاسی و دیگر رشته های اصلی علوم اجتماعی؛ مانند اقتصاد، جامعه شناسی، تاریخ، فلسفه، و قوم شناسی برای شناخت و بهبود خط مشی ها و سیاستگذاری ها، فراهم کرد.

از آنجا که فرایند سیاستگذاری، یک عنصر مهم در برنامه ریزی آموزشی است، تبیین مفاهیم "سیاست" و "سیاستگذاری" قبل از آنکه به مطالب دیگر بپردازیم، ضرورت دارد. وجود تعاریف متعدد و گوناگون از واژه "سیاست" امری قابل درک است. اما در این جا مراد ما از سیاست یک تعریف عملی و کارکردی است: سیاست، تصمیم گروهی یا انفرادی آشکار یا غیرآشکاری است که مجموعه ای از رهنمودها

برای هدایت تصمیمات آینده، شروع یا کند نمودن یک اقدام، یا راهنمایی اجرایی در مورد تصمیمات قبلی را فراهم می‌آورد. سیاستگذاری، گام اول یک چرخه برنامه ریزی است و برنامه ریزان قبل از آن که اجرا و ارزیابی یک فرآیند را به طور اثربخش طراحی کنند، باید یک ارزیابی پویا از چگونگی تنظیم سیاست ها، به عمل آورند. اما سیاست ها نیز بر حسب دامنه آنها، میزان پیچیدگی، محیط تصمیم‌گیری، حدود انتخاب و معیارهای تصمیم‌گیری، با یکدیگر تفاوت دارند. سیاستهای خاص برای یک مساله، تصمیمات کوتاه مدتی هستند که مدیریت به طور روزانه آنها را پیگیری می نماید و همان طور که از نامشان پیداست، مربوط به یک مشکل خاص میشوند. یک سیاست برنامه ای در ارتباط با برنامه یک حوزه خاص قرار میگیرد، در حالیکه یک سیاست چند برنامه‌ای، تصمیم گیریهایی است که با حوزه هایی برنامه‌های رقیب سروکار دارد. بالاخره تصمیمات راهبردی به سیاست هایی با (اثربخشی) بسیار گسترده و تخصیص منابع به مقدار زیاد،

سروکار دارد. (دانای طوسی و دیگران، ۱۳۸۸)

### نتیجه گیری

در عصر فرا پیچیده امروز همگام با افزایش رقابت، پیچیدگی و جهانی شدن پویایی ظهور سیاستگذاری های جدید نظام آموزشی پاسخی است به طیف وسیعی از نیازهای متنوع آموزشی و پژوهشی جوامع بشری. بی شک یک نظام آموزشی مبتنی بر ساختار و جهت توسعه و دستیابی به رسالت های تعیین شده مسیر مشخصی را مطابق راهبردها و برنامه هایش که ریشه در سیاستگذاری های آن دارد ترسیم می کند. بهره‌گیری درست از سیاستگذاری می‌تواند موجب تربیت و رشد کمال انسان‌ها شود. از سوی دیگر محتوای سیاست‌گذاری در تعلیم و تربیت از رویکردی کل گرایانه پیروی می‌کند و باید به تناسب ویژگی‌های فرهنگی اقلیمی و ملی انعطاف‌پذیر باشد. با استفاده از همین نظام تعلیم و تربیت است که ارزش ها و هنجارها از نوع بازسازی می شوند. این مسئله یکی از چالش های آموزش و پرورش است که نظام فعلی و آموزش و پرورش را به نظامی کارآمد و پویا تبدیل کنند. (ملایی نژاد، ذکاوتی قراگزلو، ۱۳۸۷)

### منابع

- [۱] اکبری، احمد؛ قراری، محمد؛ مشکاتی، علیرضا. (۱۳۹۵). نقد و بررسی سیاست های آموزش و پرورش و آموزش عالی، نشریه پژوهش ملل، شماره ۱۲.
- [۲] احمدی، پروین. (۱۳۸۲). الگوی برنامه درسی تلفیقی و جایگاه آن در برنامه درسی ابتدایی ایران. پژوهش‌های آموزش و یادگیری، (۱)، ۱-۱۲.
- [۳] بیوکانی، جلیل؛ امیدی اصل، بهادر؛ بیوکانی، پرویز؛ بیوکانی، رضا. (۱۳۹۳). سیاست گذاری در آموزش و پرورش، کنفرانس بین المللی مدیریت چالش ها و راهکار ها.

- [۳] دانای طوسی، مریم، و کیامنش، علیرضا. (۱۳۸۸). رویکردهای نظری زیربنای تعریف سواد: شواهدی از برنامه درسی کشورهای آمریکا، کانادا، انگلستان، سنگاپور، سنگال، اندونزی و ایران. نوآوری های آموزشی، ۸(۳۱)، ۷۵-۱۰۰
- [۴] عباسی، فرح؛ معتمد، حمیدرضا؛ قاسم زاده، علیرضا. (۱۴۰۱). طراحی الگوی عناصر برنامه درسی تاثیرگذار در موفقیت دوره ابتدایی نظام آموزشی ایران، فصلنامه نوآوری های مدیریت آموزشی، ۱۷(۳)، صص ۹۴-۱۱۲
- [۵] دلاور، پیمان، (۱۳۹۶) برنامه ریزی درسی برای مدارس ابتدایی در هزاره ی سوم، انتشارات آگاه.
- [۶] سیاست گذاری در آموزش و پرورش، (۱۳۹۳). برگرفته از <https://magirans.com/id/44528>.
- [۷] علاقه بند، علی، (۱۳۸۱)، مبانی و اصول مدیریت آموزشی، انتشارات روان.
- [۸] ملایی نژاد، اعظم، و ذکاوتی قراگزلو، علی. (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی نظام برنامه درسی تربیت معلم در کشورهای انگلستان، ژاپن، فرانسه، مالزی و ایران. نوآوری های آموزشی، ۷(۲۶)، ۳۵-۶۲
- [۹] ماهر، فرهاد، آقایی، اصغر، برجعلی، احمد، و روحانی، عباس. (۱۳۸۶). ارزشیابی توصیفی با نظام سنتی بر اساس جو کلاس، ویژگیهای عاطفی و میزان خلاقیت دانش آموزان دوره ابتدایی. پژوهش در برنامه ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی-برنامه ریزی درسی)، ۲۱(۱۴)، ۷۱-۹۲